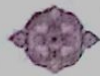


قضا کردن عبادات ریایی

(عارف کامل، مرحوم میرزا جواد آقاملکی می نویسد: یکی از عالمان بزرگ سی سال در صف اول نماز جماعت می ایستاد و اقتدا می کرده، پس از سی سال روزی به علی نتوانست خود را به صف اول برساند و در صف دوم ایستاد و از این که مردم او را در صف دوم دیدند گویا در خود خجالتی احساس کرد. از این جا متوجه شد که در این مدت طولانی که در پیشاپیش مردم و در ردیف اول نماز اقامه می کرده، از روی ریا بوده است.

تمام آن سی سال نماز را قضا کرد.



ما از قضا کردن یک نماز دو رکعتی خود شروع کنیم. اگر احساس کردیم نمازمان به ریا آلوده شد، به خلوت برویم و آن را قضا کنیم تا موضوع را جدی بگیریم.)



استغفار بره های

(یکی از فرزندان شیخ رجبعلی خیاط نقل می کند: شخصی از اهل هندوستان به نام حاج محمد همه ساله يك ماه می آمد ایران. در راه مشهد برای نماز از قطار پیاده می شود و گوشه ای به نماز می ایستد، موقع حرکت قطار، هر چه دوستش فریاد می زند که سوار شو! قطار راه می افتد! اعتنا نمی کند و با قدرت روحی که داشته، نیم ساعت مانع از حرکت قطار می شود. وقتی از مشهد به تهران می آید و خدمت شیخ رجبعلی می رسد، جناب شیخ به او می گوید: هزار بار استغفار کن! - برای چه؟

- کار خطایی کردی!

- چه خطایی؟ به زیارت امام رضا علیه السلام رفتیم، شما را هم دعا کردیم.

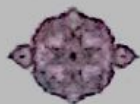
- قطار را آن جا نگه داشتی، خواستی ریا کنی و بگویی این منم که می توانم! برو استغفار کن.



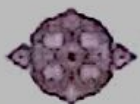
طرد کارهای ریایی

شیخ مهدی امامی مازندرانی در کتابخانه‌اش قرآن نفیسی داشت که نه خود آن را می‌خواند و نه به دیگران اجازه‌ی خواندن می‌داد. پرسیدند: چرا اجازه‌ی خواندن این قرآن را نمی‌دهید؟

شیخ فرمود: این قرآن با هزینه‌ی کسی طبع و نشر یافته که اموالش فاسد است و قرآن را برای ریا و عوام‌فریبی و آوردن نام خود بر روی جلد، چاپ کرده است. بنابراین تلاوت آن مشروعیت ندارد و چیزی در ردیف نماز خواندن در مسجد یا مکان غصبی است.



امام خمینی قرآن‌های چاپ شده در عربستان را که در آخر آن اسم ملک فهد به عنوان خادم الحرمین الشریفین ذکر شده بود، نه می‌خواند و نه اگر نسخه‌ای از آن را برای امضا خدمتشان می‌آوردند، امضا می‌کرد.



قرآن یک مثال و یک مصداق است. نسبت به کارهای ریایی اطراف خود بی‌تفاوت نباشیم. ✓ **نویسندگان و قلم‌مهرم فلان**



پاسخ: اولاً هر خودنمایی و تظاهری حرام نیست. زن و مرد که خود را برای یکدیگر آرایش می‌کنند، برای تظاهر است و همین تظاهر پسندیده است. سفارش اسلام به حضور در مسجد برای نماز، نوعی تظاهر است، اما تظاهر برای تعظیم شعائر دینی، عزاداری برای امام حسین علیه السلام با حضور در خیابان‌ها، تظاهری است که در آن عبادت نهفته است. اگر ما زیر لحاف مرگ بر شاه می‌گفتیم شاه نمی‌رفت! اسلام فرموده بعضی از جاها نعره بکش، پشت بام برو و برای نماز اذان بگو. یعنی اسلام طرفدار آن است که بعضی از جاها باید هیاهو باشد، شب عاشورا در خانه نشستن و تاریخ کربلا خواندن و گریه کردن فایده ندارد، باید بیرون آمد و دسته راه انداخت و «یا حسین» گفت.

ثانیاً شرکت بعضی افراد در مساجد و محافل، یک نوع تبلیغ و تشویق عملی برای دیگران است. اگر مسئولین به مسجد محله بروند، مردم عادی نیز خواهند آمد. تظاهر و ریا آنجا حرام است که هدف، مطرح کردن خود باشد) نه مطرح کردن کار، یعنی (اگر در جایی شرکت کنیم که نشان دهیم انسان نیکوکار و خوبی هستیم، این ریا و حرام است، اما اگر هدف ما از حضور در مراسم این باشد که به مردم بگوییم: «من آمدم، شما هم بیایید»، این تبلیغ عملی است و پاداش و ثواب دارد.



رسولِ خادم می‌خواست برود آمریکا مسابقات جهانی کشتی. گفتم اگر قهرمان دنیا شدی، به جای این که بعضی‌ها از کول همدیگر بالا می‌روند یا کارهای سبکی انجام می‌دهند، یک سجده شکر بکن. گفت آخر ریا می‌شود، گفتم: بعضی عبادت‌ها با تظاهر همراه است، مثل اذان و نماز جماعت، از طرفی آن ریایی حرام است که خودت را مطرح کنی، اما اگر ضعف و بندگی خود و بزرگی خدا را نشان دادی، آن هم از پیروزی بر حریف خود و در کشور کفر، این دیگر ریا نیست) خدا همه ریاها را حرام نکرده این از آن ریاهایی است که ثواب دارد، اصلاً بعضی ریاها ثواب دارد.

قبول کرد. (فت و قهرمان دنیا شد و سجده شکر کرد و ماهواره‌ها نشان دادند. همه فهمیدند که این اخلاق اسلامی است که وقتی خدا به مسلمان‌ها لطف کرد، دست به آسمان می‌برند و «الحمد لله» می‌گویند و یا سجده‌ی شکر به جا می‌آورند. (حجت الاسلام قرائتی)



تاجری بود در کاشان، هر وقت در مسجد پول جمع می‌کردند می‌گفت: ده هزار تومان هم پای من بنویسید، بعد که به سراغ او می‌رفتند آن پول را نمی‌داد! می‌گفتند: پس چرا پولی را که قول داده بودی نمی‌دهی؟ جواب می‌داد من آن حرف را گفتم تا بقیه هم تشویق شوند و پول بدهند!



ریای ممدوح

البته ریا یک گناه بزرگ و شرک است و هرگز ممدوح نخواهد بود. لذا بهتر است بجای ریای ممدوح، بگوییم خودنمایی ممدوح.

به نظر می‌رسد زمانی که یک فرد با انجام یک کار نیک هر چند با خودنمایی بتواند آن کار را به دیگران آموزش دهد یا مشوق آن‌ها شود، آن خودنمایی ممدوح است، چون باعث انجام یک کار خیر شده است.

(رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: کار مخفی بهتر است از کار آشکار، مگر برای کسی که می‌خواهد الگو قرار بگیرد. السِّرُّ أَفْضَلُ مِنَ الْعَلَانِيَةِ، وَالْعَلَانِيَةُ لِمَنْ أَرَادَ الْاِقْتِدَاءَ. (کنز العمال: ۵۲۷۳))

اجتماعی و تبلیغی نکنیم، نه، اما (تا وقتی در انجام کاری اطمینان نداریم که **خالی** از ریا شده‌ایم، به فکر تبلیغ و الگو قرار گرفتن نباشیم!



نه ریا و نه حیا

به یک معنا نقطه مقابل ریا، حیا و شرم است. یعنی به خاطر اینکه در یک جمع هستیم خجالت بکشیم و آنچه را هم که وظیفه‌مان است انجام ندهیم.

نه ریاکاری خوب است که به علت حضور مردم، یک صفحه قرآن بخوانیم که اگر تنها بودیم نمی‌خواندیم، و نه شرم و حیایی خوب است که به علت حضور مردم آن یک صفحه قرآن را که در تنهایی می‌خواندیم نخوانیم.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: مؤمن واقعی هیچ کار نیکی را از روی خودنمایی انجام نمی‌دهد و از روی شرم و خجالت هم آن را رها نمی‌کند. لا یَعْمَلُ شَيْئًا مِنَ الْخَيْرِ رِيَاءً وَ لَا يَتْرُكُهُ حَيَاءً (کافی،

ج ۲، ص ۲۳۱)

حتی اگر ملائک را فریب دهیم!

بعضی وقت‌ها سرکلاس نکته‌ای را از حرف‌های استاد استنباط می‌کنیم و به صحت آن هم واقفیم که مثلاً حرف استاد فلان استثنا هم دارد اما برای اینکه نشان دهیم که این نکته را یاد گرفته‌ایم آن را به صورت سؤالی مطرح می‌کنیم که: استاد! آیا حرف اخیرتان فلان استثنا هم دارد؟ این درحالی است که نیت ما ریا و اظهار فضل است! و جالب‌تر اینجاست که احتمالاً استاد و دانشجویان می‌فهمند و به حقارت روح ما تأسف می‌خورند! ما که می‌خواستیم کاری کنیم که از ما خوششان بیاید، کارمان نتیجه‌ی عکس می‌دهد! این است سرنوشت ریا، و در ریاهای دینی، بدتر و بیشتر. چون عالم آخرت را در پیش داریم که آبروی ریاکاران بدجوری ریخته می‌شود. گرچه بظاهر مردم و حتی ملائک را فریب داده باشند. حدیث بعد را بخوانید:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: فرشته‌ای اعمال نیک بنده‌ای را با خوشحالی بالا می‌برد، اما خداوند می‌فرماید این اعمال را در آتش قرار دهید. زیرا او در انجام آن‌ها فقط مرا در نظر نداشته است. **إِنَّ الْمَلِكَ لَيُصْعَدُ بِعَمَلِ الْعَبْدِ مُبْتَهَجًا بِهِ فَإِذَا صَعِدَ بِحَسَنَاتِهِ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ اجْعَلُوهَا فِي سَجِينٍ إِنَّهُ لَيْسَ بِإِيَّايَ أَرَادَ بِهَا** (کافی، ج ۲، ص ۲۹۵)

شداد بن اوس می‌گوید: روزی پیامبر خدا را دیدم که می‌گریست! عرض کردم چرا گریه می‌کنید؟ فرمود: از شرك و چندگانه‌پرستی بر امتم بیمناک هستم و می‌گیریم! اما بدانید مراد از شرك این نیست که آنها بت‌پرست می‌شوند، خیر، آنها نه بت خواهند پرستید و نه خورشید و ماه و سنگ

را، لیکن اعمال خود را ریاکارانه انجام می‌دهند. رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَبْكِي، فَقُلْتُ: مَا يَبْكِيكَ؟ قَالَ: أَنِّي تَخَوَّفْتُ عَلَى أُمَّتِي الشَّرْكَ، أَمَا أَنَّهُمْ لَا يَعْبُدُونَ صَنَمًا وَلَا شَمْسًا وَلَا قَمَرًا وَلَا حَجْرًا وَ لَكِنَّهُمْ يَرَاؤُونَ بِأَعْمَالِهِمْ (مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۰۹)



ریشه‌ی ریا

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: الاخلاصُ ثَمَرَةُ اليقين (غرر الحکم، ص ۱۹۷) اخلاص میوه‌ی یقین است. یعنی از یقین است که به اخلاص می‌رسیم. عدم اخلاص و ریاکاری ما هم به علت عدم یقین است. در تعقیبات نماز صبح و نماز مغرب از خدا یقین در قلب و اخلاص در عمل را می‌خواهیم: وَ اجْعَلْ... اليقينَ في قلبي وَ الاخلاصَ في عملي. (مفاتیح الجنان) تا زمانی که به خدایی خدا یقین نداشته باشیم، به اخلاص نمی‌رسیم و از ریا پاک نمی‌شویم.



(به قول حافظ: **دراوا**)

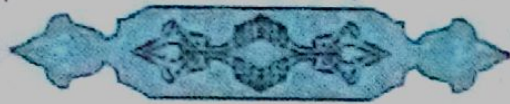
باده نوشی که درو روی و ریایی نبود

بہتر از زہد فروشی کہ درو روی و ریاست

مانہ رندانِ ریاییم و حریفانِ نفاق

آنکہ او عالمِ سر است بدین حال گواست

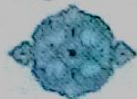
یک بار دیگر فرمایش امام خمینی را مرور کنیم و از خود بپرسیم آیا نسبت
به ریا و زشتی و خطر آن واقعا چنین باوری داریم؟



(از کسی می پرسیم که برای چه رشته‌ی دندان پزشکی را برای تحصیلات
دانشگاهی انتخاب کرده‌ای؟

می گوید: دانش‌آموختگان این رشته بیکار نمی‌مانند و درآمد آن‌ها هم
خیلی بالاست.

با خود فکر می‌کنیم که او چقدر دنیا طلب است و مادی فکر می‌کند، اما
ما! یک رشته‌ی علوم انسانی یا علوم اسلامی را انتخاب کرده‌ایم تا به مردم
خدمت کنیم، ما برای خدا درس می‌خوانیم و...
او چقدر مادی فکر می‌کند و ما چقدر معنوی!



اما شاید صورت مسأله این باشد که او چقدر صادق است و ما چقدر
ریاکار!

(امان از حرف مردم!)

آدمی اگر پیامبر هم باشد از زبان مردم آسوده نیست،

(اگر بسیار کار کنیم، می گویند احمق است!

اگر کم کار کنیم، می گویند تنبل است!

اگر بخشش کنیم، می گویند ولخرجی می کند!

اگر بخشش نکنیم، می گویند بخیل است!

اگر ساکت و خاموش باشیم، می گویند منزوی و بی عرضه است!

اگر زبان آوری کنیم، می گویند و راج و پرگوست!

اگر روزها روزه بگیریم و شبها نماز بخوانیم می گویند ریاکار است!

و اگر نکنیم میگویند کافر و بی دین است!

لذا نباید نه به حمد و ثنای مردم اعتنا کرد و نه به بدگویی و اعتراض ایشان.

چنان باشیم که خدا دوست دارد. (شیخ بهایی)

← انقد واسم همدم فاطمہ
زندگی تو نور معرفت نیست!
حرم را فخر نه شن!



← به خاطر حرف مردم، تپش نزنید!
حفظ عمل

امام باقر علیه السلام فرمود: حفظ عمل سخت تر از خود عمل است.

پرسیدیم: حفظ عمل چیست؟

خوبی

فرمود: شخص به صورت مخفیانه کار

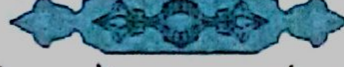
انجام می دهد و برایش ثبت می شود. سپس آن را بر زبان می آورد.

ثواب عمل مخفیانه محو و ثواب عمل آشکار برایش ثبت (و از ثواب

او کاسته) می شود. یک بار دیگر آن عمل را بر زبان می آورد، پس

انجام آن کار نیک محو می شود یک عمل ریایی برایش ثبت می گردد.

(کافی، ج ۲، ص ۲۹۶)



بهلول دید هارون الرشید بنای مسجد عظیمی را ریخته و برای سرکشی

آمده است. پرسید: هارون! چه کار می کنی؟

- دارم خانه خدا می سازم.

- خانه برای خداست؟

- بلی.

- پس دستور بده بالای در آن بنویسند: «مسجد بهلول».

- ای احمق! من پول می دهم ولی به اسم تو باشد؟

- احمق تو هستی یا من؟! برای خودت خانه می سازی، ولی به مردم

می گویی برای خداست؟!!



(کاش بود و سری هم به کارهای ما می زد. جای بهلول خالی!)



کلید در دوزخ است آن نماز
اگر جُزبه به حق می رود جادہات

کہ در چشم مردم گزاری دراز
در آتش فشانند سجّادہات
سعدی شیرازی



(آتش زهد و ریا خرمن دین خواهد سوخت

حافظ این خرقه پشمینه بینداز و برو)



از حضرت عیسی علیه السلام نقل شده که وقتی روزه گرفتید صورت و ریش و لبان خود را روغنی کنید تا مردم متوجه نشوند که روزه‌اید و وقتی که کسی با دست راست چیزی صدقه می‌دهد، دست چپش مطلع نشود و هنگامی که نماز می‌خواند پرده‌ی خانه‌اش را بیاندازد. (و هر کار خیری که انجام می‌دهد چنان کتمان کند که کسی با خبر نشود و خالص برای خدا باشد) در عین حال بداند همان‌طور که خدا رزق و روزی را تقسیم می‌کند، تمجید و ستایش را هم تقسیم می‌کند. (المحججه البیضاء، ج ۶، کتاب ذم الریا)



اگر پدری قطعه زمینی را با تمام مصالح به فرزندش داد و گفت: ساختمان بساز؛ بعد از آن گفت: ده برابر قیمت به من بفروش. حال اگر این فرزند آن ساختمان را به دیگری بفروشد همه او را توبیخ خواهند کرد، که خیلی بی ادب است که زمین و امکانات را از پدر گرفته، حالا هم پدر به ده برابر می‌خرد، اما او به بیگانه فروخت، این فرد انسانی بی معرفت و بی وفاست. تلاش کنیم این قدر بی معرفت و بی وفان باشیم.

ما هر چه داریم از قدرت و مغز و ابتکار و توفیق عمل صالح و ... از خداوند است. خدا درباره‌ی کارهای خوبمان هم می‌فرماید:
مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ امْتَالِهَا (انعام، ۱۶۰). اگر کار خوبی انجام دهی و آن را حفظ کنی، من ده برابر پاداش می‌دهم.

بنابراین کاری را که می‌شود برای خدا انجام داد برای خلق انجام ندهیم. خداوند به چه قیمت می‌خرد؟ اگر دولت بخواهد اموالش را بفروشد باید به مزایده بگذارد. اگر با بودن نرخ بالا ارزان فروخته شود جرم است. خداوند می‌خرد به بهشت، و مردم می‌خرند به کف و سوت و عده‌ای هم با صلوات. بیش از این نیست. حداکثر بیمارستان و مدرسه‌ای را به نام ما می‌کنند! (حجت الاسلام قرائتی)



حضرت امام (ره)

اگر ما بنده مخلص خداییم، چرا شیطان در ما این قدر تصرف دارد؟ با آنکه او با خدای خود عهد کرده است که به «عباد الله المخلصین» کار نداشته باشد و دست به ساحت قدس آنها دراز نکند. به قول شیخ بزرگوار ما دام ظلّه، شیطان، سگ درگاه خداست: اگر کسی با خدا آشنا باشد، به او عوعو نکند و او را اذیت نکند. سگ در خانه، آشنایان صاحب خانه را دنبال نکند. شیطان نمی‌گذارد کسی که آشنایی با صاحب خانه ندارد وارد خانه شود.

پس (اگر دیدی شیطان با تو سر و کار دارد، بدان کارهایت از روی اخلاص نیست و برای حق تعالی نیست. اگر شما مخلصید، چرا چشمه‌های حکمت از قلب شما به زبان جاری نشده، با اینکه چهل سال است به خیال خود قریه الی الله عمل می‌کنید، با اینکه در حدیث وارد است که «کسی که اخلاص ورزد از برای خدا چهل صباح، جاری گردد چشمه‌های حکمت از قلبش به زبانش.» پس بدان اعمال ما برای خدا نیست و خودمان هم ملتفت نیستیم و درد بی‌درمان همین جاست.)

وای به حال کسی که با نماز و طاعتش وارد جهنم شود! امان از کسی که صورت صدقه و زکات و صلاتش صورت‌هایی باشد که زشت‌تر از آنها تصور نشود! بیچاره تو مشرکی! خداوند به فضل خود مُوَحِّدِ اَهْلِ مَعْصِيَةِ عصیان‌کار را می‌آمزد، ان شاء الله، و لیکن فرموده است که مَشْرِكِ را نمی‌آمزم اگر بی‌توبه از این دنیا برود. (امام خمینی، چهل حدیث، ص ۵۲)



برای رهایی از ریا، اول سعی کنیم نمازهایمان را خالص کنیم، نمازهای واجب و بعد مستحب‌ها را.

بعد از آن نوبت دیگر اعمال عبادی می‌رسد. روزه، دعا، زیارت، امر به معروف، تبلیغ، و....

کلاس سوم مربوط به متن زندگی و کارهای روزانه است که آن‌ها را هم می‌توان خالصانه و لله انجام داد. سفر، تفریح، مهمانی رفتن و مهمانی دادن، و حتی غذا خوردن و استراحت و....
کلاس چهارمی هم وجود دارد که....

این چهار کلاس را خود خدا معرفی کرده، پله پله:
قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (انعام، ۱۶۲)
بگو: نماز و تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند
پروردگار جهانیان است.)



قرآن کریم گاهی از عبادت یا یاد خدا به صورت مخفیانه و غیر آشکار یاد کرده و فراوان از انفاق‌های شبانه و مخفیانه.

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره، ۲۷۴) آنها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است؛ نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین می‌شوند.

شاید این درسی باشد برای تمرین اخلاص.

(ما هم تمرین کنیم و کار خوبی را مخفیانه انجام دهیم. حتی المقدور مداوم. اما واقعا تلاش کنیم کسی مطلع نشود.

موقع انجام هم بگوییم: خدایا! این کار را برای کسی انجام نمی‌دهم. نه برای دیگران و نه حتی برای خودم. یعنی خدایا از تو توقع پاداش هم ندارم. یک کار عاشقانه. فقط برای اینکه تو دوست داری این کار را انجام می‌دهم.

تمرین خوبی است.



حرفه‌انام (ره) ؟

حال ای عزیز، فکری کن و چاره‌ای برای خود پیدا کن، و بدان که شهرت، پیش این مردم ناچیز چیزی نیست، و قلوب این مردم، که اگر گنجشکی بخورد سیر نمی‌شود، قدر و قابلیت ندارد، و این مخلوق ضعیف را قدرتی نیست، قدرت فقط در دستگاهِ قدس ربوبیت پیدا می‌شود) و فاعل علی‌الاطلاق و مسبب‌الاسباب، آن ذات مقدس است. (تمام مخلوقات اگر پشت به پشت هم دهند که یک پشه خلق کنند نتوانند، و اگر پشه‌ای از آنها چیزی برباید، نتواند پس بگیرند. قدرت پیش حق تعالی است. اوست مؤثر در تمام موجودات. با هر زحمت و ریاضتی شده در قلب خود با قلم عقل نگارش ده که: لا مؤثر فی الوجود إلا الله. (امام خمینی، چهل حدیث، ص ۵۳)



خودنمایی، کار ما را گره انداخته است

قطره چون برداشت دست از خویش، دریا می‌شود

صائب تبریزی

